

سیاست هویت، آموزش و پرورش و امنیت ملی در ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۵

رضا خلیلی *

حامد مهربان اینچه برون **

چکیده

در مقاله حاضر به بررسی تأثیر سیاست هویت منعکس شده در کتب آموزش و پرورش بر امنیت ملی ایران پرداخته می‌شود. پرسش اصلی این است که سیاست هویتی جمهوری اسلامی ایران در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره اول متوسطه نظری چه تأثیری بر امنیت ملی دارد؟ روش پژوهش مبتنی بر تکنیک تحلیل محتوای کیفی با رویکرد قیاسی است و سه کتاب مطالعات اجتماعی دوره اول متوسطه نظری که سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ در مدارس ایران تدریس شده‌اند، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که کتب مورد بررسی تصویری نامتناسب و نامتوازن از توجه به ابعاد و گرایش‌های مختلف هویت ملی، قومی، مذهبی، دینی و جنسیتی ارائه می‌دهند. علاوه بر این، حتی توجه اندک به مؤلفه‌های هویتی تجدد و اهل تسنن نیز اغلب با جهت‌گیری منفی همراه بوده است. این نوع سیاست هویت اعمالی باعث عدم تقویت هویت‌های چندگانه برجسته دانش‌آموزان می‌شود که تضعیف هویت ملی و در نهایت تهدید امنیت ملی را به همراه خواهد داشت.

واژگان کلیدی: سیاست هویت، امنیت ملی، کتب درسی، دوره متوسطه، ایران.

* عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول).

Rezakhali1@khu.ac.ir

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

h_mehraban97@atu.ac.ir

فصلنامه مطالعات راهبردی ● سال بیست و چهارم ● شماره چهارم ● زمستان ۱۴۰۰ ● شماره مسلسل ۹۴

مقدمه

در نگرش سنتی به امنیت ملی، امنیت نظامی محور اغلب تحقیقات بوده است که عمدتاً نگاه‌ها را به خارج از کشور سوق می‌داد اما ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی نیز در رویکرد نوین امنیت ملی مورد توجه قرار گرفته است. این تغییر نگرش، به ویژه پس از دوران جنگ سرد، نگاه‌ها را به داخل کشورها معطوف کرده است. مهم‌ترین بُعد امنیت ملی نیز از این حیث، امنیت اجتماعی است که به صورت خاص در هویت هر کشور متجلی است. هویت باعث شکل‌گیری «ما» می‌شود و اگر در کشوری «ما»ی ملی شکل نگیرد، امنیت ملی بی‌معنا خواهد بود. به همین جهت، دولت‌ها از طریق «سیاست هویتی»^۱ به دنبال احیا و حفظ «هویت ملی»^۲ به عنوان مهم‌ترین و مشروع‌ترین شکل هویت جمعی هستند.

در تاریخ معاصر ایران، «اسلامیت، ایرانیت و تجدد» در سیر تکوین اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خود به مهم‌ترین منابع هویت ملی تبدیل شده‌اند (حقیقت، ۱۳۹۷) و حکومت‌های دوران معاصر ایران سعی کرده‌اند یک یا تلفیقی از آن‌ها را در مسیر برساختن هویت ملی مورد بهره‌برداری قرار دهند. جمهوری اسلامی ایران نیز به منظور برساختن هویت ملی، سیاست هویتی خاصی را در پیش گرفته است که خواسته یا ناخواسته بر امنیت آن تأثیرگذار خواهد بود. بنابراین، مسئله نوشتار حاضر آشکارسازی ماهیت سیاست هویتی جمهوری اسلامی ایران و بررسی تأثیر آن بر امنیت ملی است.

اگرچه هویت ملی مهم‌ترین و مشروع‌ترین شکل هویت جمعی است، اما گرایش‌های دیگر آن مانند هویت قومی، دینی، مذهبی و جنسیتی نیز مهم هستند. به منظور سنجش و شناخت سیاست هویتی جمهوری اسلامی ایران، نظام آموزش و پرورش که اولین و تأثیرگذارترین بازوی اجرایی سیاست‌های هویتی دولت می‌باشد، مورد توجه قرار گرفته است. از آنجا که کتاب درسی مطالعات

-
1. Politics Of Identity
 2. National Identity

اجتماعی در دوره اول متوسطه نظری (که شامل مباحث تاریخ، جغرافیا و جامعه‌شناسی است) بهتر می‌تواند ابعاد مختلف سیاست هویت را بازنمایی کند، به عنوان مبنای مطالعه انتخاب گردید. بر این اساس تلاش می‌شود به این سؤال پاسخ داده شود که سیاست هویتی منعکس شده در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره اول متوسطه نظری چه تأثیری بر امنیت ملی دارد؟ در راستای پاسخ به این پرسش، پس از بررسی مفاهیم سیاست هویت و امنیت ملی، به چارچوب نظری پژوهش شکل داده می‌شود. در ادامه، پس از ذکر مبانی روش‌شناختی تحقیق به بررسی داده‌هایی که از طریق تحلیل محتوای کتب علوم اجتماعی دوره اول متوسطه به دست آمده، پرداخته می‌شود. در نهایت نیز تأثیر این سیاست هویتی بر امنیت ملی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) سیاست هویت و امنیت ملی؛ نسبت نظری و مفهومی

با توجه به اینکه سیاست هویت و مطالعات مربوط به آن در بستر خاص کشورهای غربی مورد مطالعه قرار گرفته است، دیدگاه‌ها و نظریات مطرح شده در این زمینه نیز عموماً متناسب با همان بستر است. اگرچه طی سال‌های گذشته مطالعاتی در کشورهای در حال توسعه نیز صورت پذیرفته، اما نگرش‌ها در مورد چستی سیاست هویت در این کشورها عمدتاً متأثر از هم‌تایان غربی خود بوده است (Davies, 2009; Hope, 2001; Idris, 2005; Yunespour, 2011). براتعلی‌پور، ۱۳۹۳؛ فاضلی، ۱۳۹۱؛ آل‌غفور و زهیری، ۱۳۹۵؛ سیدامامی، ۱۳۸۵). در جوامع غربی مطالعات صورت گرفته در رابطه با سیاست هویت عمدتاً به فعالیت گروه‌های اقلیت، ذی‌نفع و فعالان سیاسی اختصاص یافته است (Yunespour, 2011: 14). به همین جهت، زمینه‌های پیدایش آن را نیز اکثراً در دهه ۱۹۶۰ میلادی و ملازم با جنبش‌های نوین اجتماعی می‌دانند. در این مقاله سعی می‌شود سیاست هویت در راستای اهداف تحقیق و متناسب با مکان و زمان پژوهش به کار برده شود. به عبارت دیگر، برخلاف مطالعات غربی که آن را در رابطه با جنبش‌های اجتماعی و از «پایین به بالا» مورد مطالعه قرار داده‌اند، آن را از «بالا به پایین» و در قالب سیاست هویت

ملی که توسط دولت اعمال می‌شود، به کار می‌بریم. در این راستا نخست به مفهوم هویت به عنوان هسته مرکزی سیاست هویت پرداخته می‌شود و انواع و سطوح مختلف آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس به مفهوم سیاست هویت و مفهوم امنیت ملی و در نهایت به نسبت آنها با یکدیگر پرداخته می‌شود.

۱. مفهوم هویت

مفهوم هویت دو معنای اصلی دارد: نخست، همانندی و تشابه مطلق (به شکل «این» عین «آن») و معنای دوم، تمایز است که از ثبات و تداوم زمانی ناشی می‌شود (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۲). هویت در متداول‌ترین و کلی‌ترین دسته‌بندی به دو نوع فردی و جمعی تقسیم می‌شود. هویت فردی به شاخصه‌ها (مانند نام) و ویژگی‌های فردی (مانند تیزهوشی) باز می‌گردد (عبداللهی و حسین‌بر، ۱۳۸۱: ۱۰۷). هویت جمعی نیز به پرسش «ما» کیستیم و چیستیم و «دیگران» کیستند؟ و چیستند؟ پاسخ می‌دهد و مجموعه مشخصه‌هایی است که عضویت و تعلق یک فرد در یک گروه و در نتیجه شباهت فرد به یک گروه و جمع یا دسته را نشان می‌دهد (مانند یهودی یا ایرانی) (احمدلو، ۱۳۸۱: ۲۸). این نوع از هویت سطوح مختلفی نیز دارد و طیفی از هویت‌های جمعی خاص تا هویت‌های جمعی عام را در بر می‌گیرد (ابوالحسنی، ۱۳۸۸: ۳۸). بسته به زمینه‌های سیاسی-اجتماعی و هدف‌های مختلف، ممکن است زمانی هویت ملی و زمانی دیگر هویت دینی یا قومی یا دیگر هویت‌ها مورد بهره‌برداری قرار گیرند.

سطح ملی هویت، مهم‌ترین، فراگیرترین و مشروع‌ترین سطح هویت در کلیه نظام‌های اجتماعی است (حاجیانی، ۱۳۷۹: ۱۹۷)، اما دستیابی به آن مستلزم اتخاذ راهبرد مناسب در قبال اقلیت‌های زبانی، نژادی، دینی، مذهبی و غیره است. این نوع راهبرد می‌تواند از تاکتیک‌های مختلف یکسان‌سازی تا چندفرهنگ‌گرایی (مهندسی اجتماعی) در نوسان باشد.

۲. سیاست هویت

اگرچه هویت جزو مهمی از حیات چندصد ساله سیاسی و اجتماعی مدرن بوده است، اما تنها پس از فوران اعتراضات جمعی در سال‌های دهه ۱۹۶۰ بود که در کانون مبارزات سیاسی قرار گرفت (دان، ۱۳۸۵: ۳۳-۳۴). در سال ۱۹۷۹، آنسپاچ برای اولین بار از اصطلاح سیاست هویت برای اشاره به فعالیت افراد معلول استفاده کرد تا مفهوم خود و اجتماع افراد معلول را تغییر دهد (Bernstein, 2005: 47). از آن زمان به بعد این مفهوم بسیار مورد بحث بوده اما به ندرت به وضوح تعریف شده است. به طوری که آپیا هفت معنای آن را شناسایی نموده است:

- ۱) کشمکش‌های سیاسی درباره اینکه چه کسی مشمول می‌شود و چه کسی نه، وجود دارد. ۲) سیاستمداران می‌توانند هویت‌ها را بسیج کنند. ۳) دولت‌ها می‌توانند رفتاری متفاوت با مردمانی داشته باشند که از هویت متمایزی برخوردارند. ۴) مردم می‌توانند سیاست‌های بازشناختی را دنبال کنند. ۵) خرده سیاست‌های اجتماعی می‌توانند هنجارهای هویت شناختی را موجب شوند. ۶) به صورت ذاتی هویت‌های سیاسی مانند تعیین هویت‌های حزبی وجود دارند و ۷) گروه‌های اجتماعی می‌توانند برای واکنش نشان دادن به گزینه‌های بالا بسیج شوند (Appiah, 2006: 22).

با مرور تعاریف مختلف می‌توان آن‌ها را در دو رویکرد دسته‌بندی کرد. در رویکرد نخست، سیاست هویت بر طیف وسیعی از کنش‌های سیاسی و نظریه‌پردازی بر پایه تجارب مشترکی از بی‌عدالتی نزد گروه‌های خاص اطلاق می‌شود. اغلب هدف شکل‌گیری سیاسی هویت، تضمین آزادی‌های سیاسی برای افراد و جماعت‌های خاصی می‌باشد که به حاشیه رانده شده‌اند. در این رویکرد، سیاست هویت از تجزیه و تحلیل رفتار ستمگرانه شروع می‌شود و دامنه‌اش اغلب جنبش‌های سیاسی را در بر می‌گیرد (Stanford Encyclopedia of Philosophy, 2020). در حالی که در رویکرد دوم، سیاست هویت حوزه دانشی است که در جوامع مختلف همواره یک نگاه

(قومیتی، فرهنگی، جنسیتی) خاص خود را به مثابه خوانش و نگاه رسمی، طبیعی، فراگیر و غیرزمانی بر دیگر نگاه‌ها و گزینه‌ها تحمیل می‌کند و مانع به رسمیت شناخته شدن نگاه‌های متفاوت و مانع تغییر نگرش‌ها و رویکردها به مسائل مختلف اجتماعی و سیاسی می‌شود. بر این اساس می‌توان سیاست هویت را کوششی از سوی اصحاب قدرت برای الگوسازی و عادی‌سازی یک نگاه خاص به یک واحد سیاسی معین (قوم، کشور یا سازمان) دانست (امیرزاده و بهستانی، ۱۳۹۳: ۷۵-۷۴).

سیاست هویت را می‌توان از حیث سطح به دو دسته از «پایین با بالا»^۱ و از «بالا به پایین»^۲ تقسیم‌بندی کرد. سطح نخست به فرایندی اشاره دارد که مردم از طریق آن فرهنگ، هویت و ساختار رقابتی قدرت و ثروتی که از بالا بر زندگی اجتماعی آن‌ها تحمیل شده است را دچار چالش، سرنگون و یا در مورد آن مذاکره می‌کنند. درحالی‌که سطح دوم عمدتاً به فرایندهایی اشاره دارد که به‌موجب آن موجودیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از بالا تلاش می‌کنند به هویت‌های جمعی بر اساس قومیت، نژاد، زبان و مکان در جهت درک فعالیت‌ها و بدنه اصلی سیاست به چارچوب‌هایی نسبتاً ثابت و طبیعی‌سازی شده شکل دهند (Hill & Wilson, 2003). سطح نخست بیشتر سازمان‌یافتن حول محور تجربه‌ای خاص یا چشم‌انداز یک گروه معین است که دید هویتی دارند و به دنبال به رسمیت شناخته شدن خود و کرامتشان هستند (Hekman, 1999؛ فوکویاما، ۱۳۹۷؛ کریمی، ۱۳۸۶). بنابراین، سیاست هویت در این سطح، قالبی راهبردی برای مقاومت، ابزاری برای مخالفت با فشارهای خواهان به هم‌آمیزی و همسان‌گری می‌باشد که بر تفاوت‌های بارز اجتماعی و فرهنگی پای می‌فشرند (دان، ۱۳۸۵: ۴۲). در حالی که سطح دوم سیاست هویت شامل نوعی سیاست رسمی، ساختاری و عمومی^۳ است که توسط دولت‌ها،

-
1. Identity politics
 2. Politics of identity
 3. Public

احزاب و نهادهای مشارکتی^۱ در عرصه‌های سیاسی شهرها، مناطق و دولت‌ها اعمال می‌شود (Hill & Wilson, 2003: 2). در جوامع دموکراتیک سیاست هویتی اعمالی معمولاً مورد توافق حکومت و جامعه می‌باشد، اما در جوامع غیردموکراتیک معمولاً این نخبگان هستند که نوع و چگونگی آن را تعیین می‌کنند (قهرمان‌پور، ۱۳۸۵: ۴۸).

۳. مفهوم امنیت ملی

«امنیت ملی» مفهومی مدرن و متعلق به عصر جدید است، اما مفهوم «امنیت» از دیربگی و قدمتی به اندازه حیات آدمی برخوردار بوده است. از زمانی که انسان پا به صحنه گیتی نهاد، حفظ بقا و موجودیت، اولین دغدغه او و تداوم حیات آدمی در گرو تضمین آن بوده است (خلیلی، ۱۳۸۷: ۵۰۰). با نگرشی تاریخی، تحولات مفهومی امنیت در چهار مرحله قابل ردیابی است؛ مراحلی که با ابتدایی‌ترین نوع جوامع انسانی تا پیشرفته‌ترین آن منطبق هستند. بر این اساس، تعریف امنیت به حفظ بقا و موجودیت، با جامعه سنتی؛ تعریف امنیت به فقدان تهدید، با جامعه فراستانی؛ تعریف امنیت به کسب قدرت و توانایی، با جامعه مدرن و بالاخره، تعریف امنیت به همگرایی و همکاری، با جامعه فرامدرن نسبتی نزدیک دارند (خلیلی، ۱۳۸۳: ۱۷).

تعاریف امنیت را می‌توان در دو رویکرد سلبی و ایجابی دسته‌بندی کرد. در رویکرد سلبی، امنیت به مفهوم نبودن خطر، تهدید و برخورداری نسبی از آرامش و اطمینان خاطر تعریف شده است (افتخاری، ۱۳۸۲: ۸۶). در مقابل، در رویکرد ایجابی به امنیت، حفظ تنها زندگی مهم نیست، بلکه حفظ راه و روش زندگی اهمیت می‌یابد (ماندل، ۱۳۷۹: ۷۸). هدف امنیت در رویکرد سلبی استقرار نظم و برقراری ثبات است (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۵) و تهدیدات نیز سخت‌افزاری و منشأ آن در فضای بیرونی است (افتخاری، ۱۳۸۴: ۸۵). در حالی که هدف رویکرد ایجابی، یکپارچگی و

همبستگی است (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۷-۶۰) و منشأ تهدید نیز درونی و ماهیت آن نرم‌افزاری است (افتخاری، ۱۳۸۴: ۸۶).

برخلاف امنیت، ملت مفهومی مدرن است که پیوند مستقیمی با دولت دارد. در واقع پیوند مستقیم مفهوم ملت با دولت، امر تازه‌ای است که تاریخ آن از پیدایش ناسیونالیسم جدید فراتر نمی‌رود و مربوط به تحولات فکری و سیاسی و اجتماعی اروپا از سده نوزدهم به بعد است. از این رو آگاهی ملی، به معنای تعلق به ملت و لزوم تشکیل دولت ملی و داشتن قدرتی (یا دولتی) متعلق به خود، پیشینه‌ای طولانی ندارد. به همین دلیل واژه ملت نیز در گذشته معنای سیاسی امروزی را نداشته است (آشوری، ۱۳۸۵: ۳۰۷).

ترکیب مفهوم قدیمی امنیت با مفهوم جدید ملت، مناقشه‌های نظری بسیاری را برانگیخته است. برخی معتقدند که اصطلاح امنیت ملی نه فقط نادرست، بلکه مخرب است؛ زیرا کشورها به بهانه آن به جنگ با یکدیگر می‌پردازند یا در عرصه داخلی مخالفان داخلی را سرکوب می‌کنند (طاهایی، ۱۳۹۲: ۲۳۷-۲۳۸). با این حال، پیگیری امنیت ملی در فضای سیاسی بین‌المللی امروزی گریزناپذیر است. گریزناپذیری آن از این موضوع نشأت می‌گیرد که با شکل‌گیری دولت‌های ملی که با قرارداد وستفاليا و شکل‌گیری دولت‌های سرزمینی آغاز شد، امنیت یک ملت را که در سرزمین مشخص و زیر نظر دولتی خاص زیست می‌کند، توجیه می‌کنند. بنابراین، امنیت ملی معطوف است به دفع خطراتی که متوجه موجودیت یک دولت-ملت در محدوده سرزمینی مشخص است. در سطح ملی، دولت و جامعه هنگامی از امنیت برخوردارند که اولاً در معرض خطر نابودی نباشند و ثانیاً به صورت ایجابی بتوانند به تکثیر ارزش‌های داخلی خود پردازند (نصری، ۱۳۹۲: ۸۸).

۴. نسبت سیاست هویت با امنیت ملی

هسته اصلی تحقیقات انجام شده در خصوص فهم امنیت ملی، مفهوم «تهدیدات» به اضافه پاسخ‌هایی می‌باشد که به سه پرسش کلیدی «منع، هدف و ماهیت» تهدید چیست، داده شده است (مارتین، ۱۳۸۹: ۳۴). با توجه به پاسخ پرسش‌های فوق، «مکسوینی»^۱ به چهار مرحله مطالعات امنیتی اشاره کرده است که عبارتند از نظریه سیاسی، علوم سیاسی، اقتصاد سیاسی و جامعه‌شناسی که کانون تمرکز هر کدام به ترتیب «امنیت مشترک»^۲، «استراتژی»، «امنیت جامع / بین‌المللی»^۳ و امنیت انسانی می‌باشد. از دیدگاه وی، مرحله آخر که از اوایل دهه ۹۰ میلادی آغاز شده است بر این تمرکز می‌کند که چگونه ادراک بر امنیت تأثیر می‌گذارد و بر این اساس بر اهمیت هویت و ساخت امنیت تأکید نموده است (Shih-Fong, 2003). به عبارت دیگر، در کل حوزه مسائل امنیتی، امنیت ملی به عنوان یک مفهوم کلیدی جا افتاده، ولی شگفت آنکه درباره ملت به عنوان یک واحد امنیتی تأمل چندانی صورت نگرفته است. در واقع کانون توجه را واحد سیاسی و نهادی- دولت- و بنابراین بخش‌های سیاسی و نظامی تشکیل داده است. ولی اگر نگاه خود را روی ملت متمرکز سازیم، بخش دیگری نمایان می‌شود که با عنوان امنیت جامعه‌ای شناخته می‌شود (بوزان و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹۱). بنابراین، امنیت می‌تواند شامل هر دو شکل فیزیکی عینی و وضعیت فکری ذهنی باشد. در حالی که اولی بر رهایی از تهدیدات فیزیکی متمرکز است، دومی مبتنی بر احساس امنیت است. البته تأمل در ادبیاتی که طی دهه اخیر در ایران تولید شده، نشان می‌دهد که عبارت‌های مشابهی چون امنیت اجتماعی، امنیت جمعی و ... توسط محققان به کار گرفته شده است، اما هیچ یک توضیح نداده‌اند که در این نوع از امنیت، سخن بر سر اطمینان خاطر چه کسی یا چه گروهی در مقابل چه چیزی و با چه ابزار و سازوکاری است (نصری، ۱۳۹۲: ۶۴).

همبستگی‌گرایان در درون مکتب انگلیسی و مکتب ابریتویت (ولز) با زیر سؤال بردن مطالعات امنیت ملی، هدف امنیت را فرد یا همان مردمان جوامع می‌دانند که مشکله آن‌ها دولت است و

-
1. McSweeney
 2. common security
 3. international/comprehensive security

برخلاف مطالعات سنتی، مشکله را خارجی نمی‌دانند. مکتب پاریس نیز به عنوان موج سوم نظریه‌پردازی در باب امنیت که عمده‌تأ الهام‌گرفته از آرای بوردیو است، بیشتر علاقمند به امنیت داخلی و ادغام آن در امنیت خارجی است (ابراهیمی، ۱۳۹۳).

نظریه‌پردازان مطالعات امنیتی که همواره خواهان ظهور دولت مقتدر بودند و امنیت را در مصونیت سرزمینی از تجاوز دیگری معنا می‌کردند، از اواخر دهه ۱۹۸۰ به این نتیجه رسیدند که خود دولت، یکی از منابع اساسی ناامنی است و از استعداد و ابزارهای شگفت‌انگیزی برای تحدید و تهدید جامعه برخوردار است. از این رو، امنیت ملی دولت‌محور در مقابل مرجعیت و محوریت جامعه در تثبیت و تعمیق امنیت رنگ باخت (کراس و ویلیامز به نقل از عباس‌زاده و کرمی، ۱۳۹۰: ۳۸). در این میان، مکتب کپنهاگ که در موج دوم مطالعات امنیتی جای می‌گیرد، با طرح بحث امنیت جامعه‌ای (هویت‌محور) جایگاه ویژه‌ای در تحولات اخیر به خود اختصاص داده است.

زمانی که باری بوزان در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس»، امنیت ملی را دارای ابعاد مختلف نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی دانست، برای اولین بار بود که مسائل اجتماعی با محوریت هویت را یکی از چالش‌های اساسی پیش روی دولت‌ها معرفی کرد. بنابراین، اگرچه منابع و ماهیت تهدیدات نسبت به رویکردهای سنتی متنوع شد، اما هدف تهدید (دولت) ثابت باقی مانده بود. در سال ۱۹۹۳ و در پی شعله‌ورشدن جنگ‌های نژادی و قومی در اروپای شرقی (در پی فروپاشی شوروی)، بوزان در کتاب «هویت، مهاجرت و دستور کار امنیت» که در همان سال و با همکاری الی ویور نگاشت، وزن بیشتری برای وجه جامعه‌ای امنیت قائل شد. بدین صورت که در کتاب قبلی، جامعه یکی از وجوه دولت و هویت گروه‌ها، یکی از موضوعات نگرانی و دغدغه‌های دولت بود، اما در این نظریه، جامعه یا گروه‌های اجتماعی نیز یکی از ابعاد دولت تلقی می‌شود و به مرجع یا هدف امنیت ارتقا می‌یابد. موضوع امنیت جامعه‌ای (هویت)، اهمیت کیفی دارد. امنیت جامعه‌ای به تهدیدهایی می‌پردازد که حیاتی‌اند، یعنی اگر گروهی هویت خود را از دست دهد، دیگر «ما»یی در میان نیست که به ترمیم و ارتقای آن اقدام

شود. این در حالی است که ضعف اقتصاد، عقب‌ماندگی نظامی، ناکارآمدی سیاسی و فاجعه زیست‌محیطی به نحوی قابل احیا هستند (نصری، ۱۳۹۰: ۱۰۸). در این زمینه، برخی بر این باورند که ایجاد هویت جمعی نیاز اولیه ملت‌ها است؛ زیرا هویت علاوه بر خودآگاهی یا آگاهی گروهی، مفهومی متشکل از نوعی مکان، اهداف گروه یا هنجارها و تاریخ گروه نیز می‌باشد. در این معنا، هویت چیزی است که بقا را ممکن می‌سازد (کریمی‌مله، ۱۳۹۳: ۴۷). به‌نظر ویور و همکارانش، موضوعات یا مؤلفه‌های امنیت جامعه‌ای (تهدیدات) به گونه‌ای است که همگی مقوله مرکزی امنیت جامعه‌ای، یعنی هویت را متأثر می‌سازند. یکی از این موضوعات، رقابت عمودی می‌باشد. رقابت عمودی بیشتر به نوعی معارضه و منازعه شباهت دارد. طی این نوع رقابت، حکومت مرکزی یک سیاست متمرکز و ادغام‌گرا را اعمال و درصدد انکار و دستکاری و در نتیجه ادغام هویت‌های متفاوت است (نصری، ۱۳۹۰: ۹۸). به طور کلی، دولت می‌تواند منبع تهدید؛ جامعه، هدف تهدید و هویت، ماهیت تهدید قلمداد شود.

ب) سیاست هویت و امنیت ملی ایران

در این بخش نخست گرایش‌های سیاست هویتی در ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت و سپس ابعاد امنیت ملی یا جامعه‌ای که دولت از طریق آن‌ها قادر است به نوعی از حیث ایجابی یا سلبی درصدد هویت‌سازی برآید، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱. گرایش‌های هویتی در ایران

با توجه به سیر تحولات تاریخی، در رابطه با مهم‌ترین و مشروع‌ترین سطح هویت جمعی یا هویت ملی، سه منبع شکل‌دهنده به هویت ایرانی یعنی ایرانیت، اسلامیت و تجدد وجود دارند که هیچ‌کدام از آنها را نمی‌توان به دیگری تقلیل داد. علاوه بر این، دیگر سطوح سیاست هویت جمعی نیز در ایران

به ترتیب اهمیت می‌تواند قومیت، مذهب و دین باشد. بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی هفت قوم شناخته‌شده عبارتند از: کرد، بلوچ، عرب، تالش، لر، ترکمن و آذری. هویت مذهبی شامل اهل تسنن و تشیع و هویت دینی نیز علاوه بر اسلام شامل مسیحیت، کلیمی و زرتشتی می‌باشد. با توجه به اینکه هویت‌های دیگر در قانون اساسی به رسمیت شناخته نشده‌اند، در نظرنگرفتن آن‌ها از سوی دولت، نشان ضعف یا ناکارآمدی دولت شناخته نمی‌شود. در نهایت، در سطح فردی سیاست هویت نیز هویت جنسیتی بسیار تأثیرگذار می‌باشد. این نوع هویت در سنت تاریخی ایران مورد توجه قرار نگرفته و این وضعیت تا حدی نیز بدیهی است، اما پس از جنگ جهانی دوم و شکل‌گیری و رواج ایده‌های فمینیستی، به بخش مهمی از مسئله در جوامع در حال توسعه مانند ایران تبدیل شده است. بنابراین برای شکل‌گیری و تحکیم هویت ملی که مساوی با یکپارچگی و انسجام ملی است، هویت زنان نیز باید در نظر گرفته شود. اهمیت این مسئله عمدتاً بدین جهت است که حقوق زنان یکی از گفتمان‌های در حال توسعه در سطح بین‌المللی و مورد حمایت مراکز قدرت جهانی است.

۲. ابعاد و شاخص‌های امنیتی سیاست هویت

بر اساس ابعاد مختلف امنیت ملی، در ایران دولت در پنج بُعد می‌تواند سیاست‌های هویتی را در سطوح جمعی اتخاذ و اعمال کند که این پنج بُعد عبارتند از: نظامی، سیاسی، اقتصادی، زیست‌محیطی و جامعه‌ای. دولت در بُعد نظامی، برای یکسان‌سازی قادر به حمله نظامی به هویت‌های قومی، دینی و مذهبی برای دست‌یافتن به هویت ملی منسجم است. در بُعد سیاسی، دولت با تصویب قوانین تبعیض‌آمیز می‌تواند هویت اقوام، ادیان و مذاهب و حتی جنسیت زنان را به طور سیستماتیک سرکوب کند. در بُعد اقتصادی، عدم رسیدگی از سوی دولت مرکزی یا اعطای قدرت به هویت‌های مختلف قومی، دینی و مذهبی برای پیگیری راهبردهای اقتصادی منطقه‌ای، می‌تواند منجر به رکود اقتصادی و بیکاری شود. این موضوع نیز این نگرش را تقویت می‌کند که دولت به صورت سیستماتیک هویت آن‌ها را سرکوب می‌کند (فرض بر این است که دولت به طور

سیستماتیک در جهت یکسان‌سازی برنامه‌ریزی نکرده است). همچنین وابستگی دولت به جامعه در اخذ مالیات، می‌تواند بر نوع سیاست‌های هویتی اعمالی آن تأثیرگذار باشد. در بعد زیست‌محیطی، آلودگی و تغییرات آب‌وهوایی در مناطقی که هویت‌های قومی، زبانی یا مذهبی اکثریت دارند، می‌تواند باعث تغییر سبک زندگی و ایجاد مشکلات بسیاری برای آن‌ها شود. مثلاً دولت می‌تواند با آزمایش‌هایی در رابطه با باروری مصنوعی ابرها تغییرات هویتی را مدیریت کند. در نهایت، در رابطه با تهدیدات جامعه‌ای می‌توان از شاخص‌هایی نام برد که هویت گروه‌ها را سرکوب می‌کند. این شاخص‌ها می‌توانند در هر سطحی وجود داشته باشند که از جمله آن‌ها می‌توان به مهاجرت اجباری، موانع قانونی و عملی در آموزش زبان، برگزاری آیین‌های سنتی (جشن‌ها و سوگواری‌ها) و اماکن مذهبی اشاره کرد. در جدول زیر ارتباط گرایش‌های سیاست هویتی دولت و ابعاد و شاخص‌های امنیت ملی (جامعه‌ای) قابل مشاهده است:

جدول ۱: ارتباط انواع سیاست هویت با ابعاد و شاخص‌های امنیت ملی

شاخص‌ها	ابعاد	امنیت ملی سیاست هویت
حمله نظامی به هویت‌های قومی، دینی و مذهبی	نظامی	سیاست‌های هویتی (ملی، قومی، دینی، مذهبی، جنسیتی)
نابرابری در احراز پست‌ها، قوانین تبعیض‌آمیز	سیاسی	
رکود اقتصادی و بیکاری	اقتصادی	
آلودگی و تغییرات آب و هوایی عمدی	زیست محیطی	
برگزاری مراسم‌های سنتی (جشن، سوگواری‌ها و غیره)، استفاده از زبان، نام و پوشش، تغییر نام، وضعیت اماکن دینی و مذهبی، بستن اماکن آموزشی، مهاجرت اجباری، تبعیض حقوقی	جامعه‌ای	

منبع: یافته‌های تحقیق

۳. روش تحقیق

با توجه به اینکه امکان بررسی تأثیر سیاست‌های هویتی (گرایش‌های پنج‌گانه) دولت ایران بر امنیت جامعه‌ای در تمامی ابعاد (به دلیل محدودیت بودجه و سنجش‌های میدانی در سراسر ایران) وجود ندارد، آموزش و پرورش به عنوان مهم‌ترین نهاد جامعه‌پذیری و بهترین انعکاس‌دهنده سیاست هویتی انتخاب گردید. در واقع پیش‌فرض ما این است که هویت جمعی نه پدیده‌ای ذاتی، بلکه کاملاً اکتسابی می‌باشد و آموزش و پرورش برای درونی‌کردن هویت‌ها، یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین ابزارها در تمامی جوامع به شمار می‌رود و کتاب‌های درسی بهترین و قابل‌اتکاترین منابع برای شناخت سیاست هویتی هستند. البته تعداد و ماهیت کتاب‌های درسی هم متفاوت است و بنابراین از میان تمامی کتب درسی کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره اول متوسطه که بیش از سایر کتب منعکس‌کننده سیاست هویتی هستند، به عنوان نمونه انتخاب شدند. به منظور شاخص‌سازی سیاست‌های هویتی جمهوری اسلامی ایران، با استفاده از تحقیقات انجام‌شده^۱ و تغییراتی متناسب با اهداف تحقیق، در مجموع شاخص‌های زیر برای سیاست‌های هویتی در کتاب مطالعات اجتماعی احصا گردید:

۱. ارزش‌ها و هنجارها (مانند مهمان‌نوازی و عید نوروز، توحید و حقوق بشر)، ۲. میراث فرهنگی (ایرانی) و اماکن دینی - مذهبی (اسلامی)، ۳. مشاهیر و شخصیت‌های برجسته ایرانی، اسلامی و غربی، ۴. وقایع و رخداد‌های ایرانی (ملی‌شدن صنعت نفت)، اسلامی (واقعه هجرت پیامبر)، ۵. میراث فرهنگی (ایرانی، اسلامی)، ۶. مناسک دینی - مذهبی و

۱. برای احصای شاخص‌های سیاست هویتی دولت از تحقیقات مختلفی بهره گرفته شده است (زیرا هیچ‌کدام به ابعاد مختلف هویت جمعی به صورت یک‌جا نپرداخته‌اند و صرفاً یک جنبه از آن مانند هویت ملی، هویت قومی یا هویت دینی را مدنظر قرار داده‌اند) که عبارتند از: یآوری (۱۳۷۳)، صالحی عمران و شکیباییان (۱۳۸۶)، صالحی عمران و دیگران (۱۳۸۷)، منصور و فریدونی (۱۳۸۸)، نوشادی و دیگران (۱۳۹۰)، هاشمی و قربانعلی‌زاده (۱۳۹۳)، قادرزاده (۱۳۹۳)، رهبری و دیگران (۱۳۹۳)، ازغندی و محمدی‌مهر (۱۳۹۵)، پورشکری و دیگران (۱۳۹۹).

نمادهای ایرانی (عید فطر و پرچم ایران و لباس‌های ایرانی اصیل)، ۷. موقعیت جغرافیایی ایران (آگاهی از ویژگی‌های محیطی کشور و موقعیت خاص ایران در منطقه و جهان)، ۸. خرده‌فرهنگ‌های قومی.

با توجه به موضوع، روش پژوهش حاضر در بررسی محتوای کتب مبتنی بر استفاده از تکنیک تحلیل محتوای کیفی با رویکرد قیاسی است که روش متداول تحقیق برای تجزیه و تحلیل کمی منابع و داده‌های کیفی، به‌ویژه منابع مکتوب و تصویری (مانند کتاب‌های درسی) محسوب می‌شود و کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره اول متوسطه نظری که در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ در مدارس ایران تدریس شده‌اند، به عنوان نمونه مورد بررسی محتوایی قرار گرفتند. در بخش تحلیل پیامدهای امنیتی سیاست هویتی نیز از یک سو بر تحلیل و استنباط منطقی از رابطه میان همبستگی ملی و امنیت ملی بر اساس مبنای نظری مورد استفاده تأکید شده و هر جا سیاست هویتی متوازن و متناسب بوده و گرایش به تقویت همبستگی و اتحاد ملی داشته، آن را در راستای تقویت امنیت ملی تحلیل کرده و هر جا گرایش به عدم توازن و تناسب و واگرایی داشته، آن را در راستای تضعیف امنیت ملی تحلیل کرده‌ایم. از سوی دیگر برای تقویت استدلال خود از نتایج پژوهش‌ها و تحلیل‌های همسو به عنوان قرینه نیز استفاده کرده‌ایم.

ج) سیاست هویت در کتب مطالعات اجتماعی و امنیت ملی در ایران

در این بخش نخست به توصیف یافته‌ها پرداخته می‌شود و سپس گرایش‌های مختلف سیاست‌های هویتی دولت را در آموزش و پرورش به تفکیک مورد بررسی قرار داده و تأثیر آن بر امنیت ملی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. توصیف یافته‌ها

در سه کتاب مطالعات اجتماعی دوره اول متوسطه در مجموع ۵۷۸۷ جمله مورد بررسی قرار گرفته است که فراوانی مربوط به دوره هفتم، هشتم و نهم به ترتیب عبارتند از: ۱۷۹۰ (۳۰/۹۳ درصد)، ۱۹۴۶ (۳۳/۶۳ درصد) و ۲۰۵۱ (۳۵/۴۴ درصد) جمله. از این تعداد ۳۵۸۴ جمله (۶۱/۹ درصد) با موضوع سیاست هویت مرتبط بوده است. سهم هر دوره نیز به ترتیب ۱۲۰۳ (۳۳/۵۷ درصد)، ۱۲۴۹ (۳۴/۸۵ درصد) و ۱۱۳۲ (۳۱/۵۸ درصد) بوده است.

در رابطه با تصاویر، در مجموع ۱۱۳۳ تصویر مورد بررسی قرار گرفته است. لازم به ذکر است که برخی تصاویر شامل چند نوع هویت جمعی بودند. به عنوان مثال، تصویر فردی با لباس بلوچ، علاوه بر اینکه نمایانگر هویت قومی بلوچ می‌باشد، می‌تواند در زمره هویت مذهبی اهل سنت نیز مورد دسته‌بندی قرار گیرد. بنابراین، برخی تصاویر چند بار مورد تحلیل قرار گرفتند. به همین جهت، تعداد تصاویر به ۱۳۷۸ عدد افزایش پیدا کرده است. از این تعداد تصویر، سهم دوره‌های هفتم، هشتم و نهم به ترتیب ۴۴۶ (۳۲/۳۷ درصد)، ۴۶۹ (۳۴/۰۳ درصد)، ۴۶۳ (۳۳/۶ درصد) بوده است. در جدول زیر فراوانی و درصد جملات و تصاویر بررسی شده قابل مشاهده است:

جدول ۲: فراوانی و درصد جملات و تصاویر مورد مطالعه

دوره	جملات مورد بررسی		جملات حاوی سیاست هویت		تصاویر مورد بررسی	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
هفتم	۱۷۹۰	۳۰/۹۳	۱۲۰۳	۳۳/۵۷	۴۴۶	۳۲/۳۷
هشتم	۱۹۴۶	۳۳/۶۳	۱۲۴۹	۳۴/۸۴	۴۶۹	۳۴/۰۳
نهم	۲۰۵۱	۳۵/۴۴	۱۱۳۲	۳۱/۵۸	۴۶۳	۳۳/۶
کل	۵۷۸۷	۱۰۰	۳۵۸۴	۱۰۰	۱۳۷۸	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که در جدول شماره سه قابل مشاهده است، بیشترین فراوانی متعلق به سیاست هویت در سطح ملی با مجموع فراوانی ۳۱۱۸ جمله (۸۷درصد) بوده است. پس از آن سیاست هویت مذهبی با فراوانی ۲۸۲ جمله و ۸/۷درصد با اختلاف بسیار در جایگاه دوم قرار گرفته است. سیاست هویتی قومیتی با فراوانی ۱۲۱ (۳/۴درصد) جمله و سیاست هویتی دینی با فراوانی ۶۳ (۱/۸درصد) جمله نیز در جایگاه اهمیت سوم و چهارم قرار می‌گیرند.

در تحلیل محتوای کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره اول متوسطه، به تناسب فراوانی‌های موجود، ۵۹۵ جمله (۱۶/۶درصد) جهت‌گیری منفی نسبت به هویت‌های مختلف در جامعه داشته‌اند. از این تعداد فراوانی سهم هویت ملی، مذهبی و قومی به ترتیب ۵۱۹ (۸۶/۹درصد)، ۶۲ (۱۰/۴درصد) و ۱۶ (۲/۷درصد) بوده است.

در رابطه با تصاویر انتخاب‌شده برای کتاب‌های مورد مطالعه، سیاست هویتی با فراوانی ۸۵۵ تصویر (۶۲/۰۵درصد) به سوی هویت ملی هدایت شده است. پس از آن نیز به ترتیب هویت جنسیتی با فراوانی ۴۱۴ تصویر (۳۰/۰۴درصد)، هویت قومی با فراوانی ۵۸ تصویر (۴/۲۱درصد)، هویت مذهبی با ۴۵ تصویر (۳/۲۷درصد) و هویت دینی با فراوانی شش تصویر به ترتیب بیشترین توجه را در سیاست‌های هویتی دولت به خود جلب کرده‌اند.

جدول ۳: فراوانی و درصد انواع هویت و جهت‌گیری آنها

سیاست هویت	متن		جهت‌گیری منفی		تصاویر	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
هویت ملی	۳۱۱۸	۸۷	۵۱۷	۸۶.۹	۸۵۵	۶۲/۰۵
هویت قومی	۱۲۱	۳.۴	۱۶	۲.۷	۵۸	۴/۲۱
هویت دینی	۶۳	۱.۸	-	-	۶	۰/۴۴
هویت مذهبی	۲۸۲	۷.۸	۶۲	۱۰.۴	۴۵	۳/۲۷
هویت جنسیتی	-	-	-	-	۴۱۴	۳۰/۰۴
کل	۳۵۸۴	۱۰۰	۵۹۵	۱۰۰	۱۳۷۸	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

۲. سیاست هویت و امنیت ملی ایران

در این قسمت، طبق یافته‌های تحقیق، گرایش‌های پنج‌گانه سیاست هویت در ارتباط با امنیت ملی مورد بررسی قرار می‌گیرد. ذکر این نکته مهم است که این تقسیم‌بندی‌ها به عنوان نمونه آرمانی به حساب می‌آیند و در عالم واقع، هویت‌ها قابل تفکیک از یکدیگر نیستند.

۲-۱. سیاست هویت ملی و امنیت ملی

با ورود اسلام به ایران، نوعی دوگانگی فرهنگی در ایرانیان ایجاد شد. تقابل دو فرهنگ می‌توانست به هم‌نهاد کامل‌تر و جامع‌تری بینجامد، اما این دوگانگی نه تنها در آن زمان به شکل مناسب حل نشد، بلکه در قالبی جدیدتر به زمان معاصر انتقال یافت. علاوه بر این دوگانگی، انقلاب مشروطه به عنوان یک نقطه عطف، ما را با میهمانی ناخوانده و جدید با عنوان تجدد روبرو کرد (حقیقت، ۱۳۹۷: ۹۳). به همین جهت، سه منبع مذکور در طول تاریخ به منابع اصلی هویت ملی ایرانیان تبدیل شده‌اند که تا حدی در این زمینه اجماع هم وجود دارد (مطهری، ۱۳۸۵؛ ثاقب‌فر، ۱۳۸۳؛ سریع‌القلم، ۱۳۸۳؛ رهبری و دیگران، ۱۳۹۴).

طبق یافته‌های تحقیق، در رابطه با هویت ملی ۳۱۱۸ جمله مورد بررسی قرار گرفته‌اند که سهم ایرانی، اسلامیت و تجدد به ترتیب عبارت است از: ۱۳۵۵ (۴۳/۴۶ درصد)، ۱۴۴۳ (۶۷/۲۸ درصد) و ۳۲۰ (۱۰/۲۶ درصد) جمله. اگرچه در ظاهر میزان توجه به هویت ایرانی و اسلامی تا حدی یکسان جلوه می‌کند، اما در رابطه با ایرانی ۳۶۶ جمله (۲۷/۰۱ درصد) با جهت‌گیری منفی همراه بوده است. این جهت‌گیری منفی در ارتباط با هویت تجدد ۱۵۱ جمله (۴۷/۱۹ درصد) بوده است. در حالی که در رابطه با اسلام هیچ موردی از جهت‌گیری منفی وجود نداشته است. فراوانی، درصد و جهت‌گیرهای این سه نوع هویت و همچنین تصاویر مرتبط با آنها در نمودار زیر نشان داده شده است:

جدول ۴: فراوانی و درصد سیاست‌های هویتی سطح ملی و جهت‌گیری آنها

سیاست هویت ملی	متن		جهت‌گیری منفی		تصاویر	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
ایرانیّت	۱۳۵۵	۴۳/۴۶	۳۶۶	۲۷/۰۱	۳۶۴	۴۲/۵۷
اسلامیت	۱۴۴۳	۴۶/۲۸	-	-	۴۲۰	۴۹/۱۳
تجدد	۳۲۰	۱۰/۲۶	۱۵۱	۴۷/۱۹	۷۱	۸/۳

منبع: یافته‌های تحقیق

این نوع سیاست‌گذاری هویتی طبعاً امنیت ملی را با چالش روبرو می‌کند. هویت ایرانی و تجدد به‌ویژه در بین جوانان به بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت ملی آنان تبدیل شده است. همان‌گونه که ناظمی اردکانی و دیگران (۱۳۹۵) نشان داده‌اند، حتی در شهر نسبتاً سنتی و مذهبی یزد، نسل جوان در مقایسه با نسل بزرگسال گرایش بیشتری نسبت به هویت تجدد داشته است. در شهر اصفهان نیز پژوهش کلانی و سفیری (۱۳۹۶) نشان داده که آنچه مسلم است هویت سنتی و چارچوب‌های هویت‌ساز آن در جامعه درحال گذار ایران به قوت گذشته و نفوذ پیشین، باقی نمانده است و جوانان گرایش بیشتری به هویت تجدد داشته‌اند.

تضاد بین سیاست هویتی آموزش و پرورش و آنچه در بطن جامعه (با دسترسی نوجوانان و جوانان به اینترنت و دنیای داخل و خارج) در حال رخ‌دادن است، مانع شکل‌گیری هویت ملی منسجم و یکپارچه گردیده و تضاد هویتی را به دنبال داشته است. اگرچه ایزدی و قاسمی (۱۳۹۰) پی برده‌اند که ساعات ممتد استفاده از اینترنت به دلیل جذابیت فردی آن برای دانش‌آموزان، باعث تضعیف هویت ملی آنها شده است، با این حال، اصولاً یکی از عوامل گرایش نوجوانان و جوانان به هویت تجدد (با استفاده از ابزارهای آن) عدم آگاهی کامل آنان از جنبه‌های مختلف آن است. حتی برای نقد و جلوگیری از مسلط‌شدن گفتمان هویت متجدد در ایران نیز نخست باید درک و فهم جامع و مانعی از آن شکل گیرد تا ابزارها و روش‌های مقابله با آن شناسایی شده است.

۲-۲. سیاست هویت قومی و امنیت ملی

سیاست هویت قومی نسبت به هویت ملی تقریباً بسیار اندک مورد توجه سیاستگذاران هویتی آموزش و پرورش قرار گرفته است. همان‌طور که در جدول شماره پنج قابل مشاهده است، کل جملات مورد بررسی در این زمینه ۱۲۱ (۳/۴ درصد) جمله بوده است که ۱۶ مورد (۱۳/۲۲ درصد) آن نیز با جهت‌گیری منفی همراه بوده است. این فراوانی و درصد نیز متعلق به قوم آذری می‌باشد و به هویت سایر قومیت‌ها در متن کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی توجهی نشده است. این عدم توازن و تناسب در تصاویر تحلیل‌شده نیز نمود پیدا کرده است. فراوانی و درصد تصاویر مرتبط با اقوام کرد، لر، بلوچ، عرب، ترکمن، آذری و تالشی به ترتیب ۱۰ (۱۷/۲۴ درصد)، ۱۰ (۱۷/۲۴ درصد)، ۲ (۳/۴۵ درصد)، ۲ (۳/۴۵ درصد)، ۱۷ (۲۹/۳۱ درصد) و ۷ (۱۲/۰۷ درصد) بوده است.

جدول ۵: فراوانی و درصد سیاست‌های هویت قومی و جهت‌گیری آنها

سیاست هویت قومی	کرد	لر	بلوچ	عرب	ترکمن	آذری	تالشی	کل
فراوانی	۱۰	۱۰	۲	۱۰	۲	۱۷	۷	۵۸
تصاویر درصد	۱۷/۲۴	۱۷/۲۴	۳/۴۵	۱۷/۲۴	۳/۴۵	۲۹/۳۱	۱۲/۰۷	۱۰۰
فراوانی متن	-	-	-	-	-	۱۲۱	-	۱۲۱
درصد متن	-	-	-	-	-	۱۰۰	-	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

تنوع قومی در ایران پدیده‌ای نیست که به تدریج زایل شود و راه را برای ادغام در یک فرهنگ مشترک یکپارچه فراهم کند. مهم‌گزینش شیوه‌هایی از تعامل با اقوام گوناگون است که بر وحدت در عین کثرت در چارچوب سرزمینی که همواره سکونت‌گاه اقوام گوناگون بوده است، تأکید شود (سیدامامی، ۱۳۸۵: ۱۶۳). بنابراین توجه نکردن یا جهت‌گیری منفی داشتن به هویت‌های

قومی باعث تقویت همبستگی قومی و شکسته شدن همبستگی ملی خواهد شد و بدین طریق علاوه بر تضعیف هویت ملی، امنیت ملی نیز با چالش مواجه خواهد گردید. یافته‌های پژوهش با کارهای مسعودنیا و دیگران (۱۳۹۳) و بهشتی و حق‌مرادی (۱۳۹۶) همسو می‌باشد. آنها نیز هویت ایرانی را چندگانه و ترکیبی دانسته و عنوان نموده‌اند که بین هویت ملی و قومی رابطه هم‌افزا و مثبت وجود دارد. یعنی لزوماً رابطه بین این دو متغیر معکوس و کاهنده نیست. افراد می‌توانند الگوهای ارزشی و رفتاری هر دو هویت مذکور را درک کنند و در آن مشارکت کنند، بدون آنکه دچار تضاد و تعارض هویتی شوند. بنابراین قومیت‌ها با مشاهده اینکه هویت فارسی بخش زیادی از توجه سیاست هویتی دولت را به خود اختصاص داده است، احساس خواهند کرد که هویت آن‌ها سرکوب می‌شود (افزایش امنیت یک هویت به معنای کاهش امنیت هویت دیگر است).

۲-۳. سیاست هویت دینی و امنیت ملی

هویت‌های دینی سه‌گانه که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده‌اند، در نگاه سیاست‌گذاران هویتی آموزش و پرورش جایگاه بسیار نازلی داشته‌اند. مجموع جملاتی که در این زمینه مورد تحلیل قرار گرفته‌اند، ۶۳ جمله بوده است. از این میان هویت دینی زرتشتی با مجموع فراوانی ۳۰ جمله (۴۷/۶۲ درصد) در مرکز توجه سیاست‌گذاران بوده است. هویت دینی مسیحی و کلیمی نیز به ترتیب با مجموع ۲۵ (۳۹/۶۸ درصد) و ۸ (۱۲/۷ درصد) جمله در جایگاه اهمیت بعدی قرار گرفته‌اند.

در ارتباط با تصاویر، در مجموع شش تصویر در رابطه با هویت‌های دینی وجود داشته که سه تصویر (۵۰ درصد) آن مربوط به دین زرتشت بوده است. تصاویر مربوط به مسیحیت نیز ۵۰ درصد باقیمانده تصاویر را به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین، هیچ تصویری در رابطه با هویت دینی

کلیمی در کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره اول متوسطه وجود نداشته است. در جدول زیر، فراوانی و درصد جمله‌ها و تصاویر موجود در کتاب‌های موردبررسی نشان داده شده است:

جدول ۶: فراوانی و درصد سیاست‌های هویت دینی و جهت‌گیری آنها

کل	مسیحی	کلیمی	زرتشتی	سیاست هویت دینی	
				فراوانی	متن
۶۳	۲۵	۸	۳۰	فراوانی	متن
۱۰۰	۳۹/۶۸	۱۲/۷	۴۷/۶۲	درصد	
۶	۳	-	۳	فراوانی	تصویر
۱۰۰	۵۰	-	۵۰	درصد	

منبع: یافته‌های تحقیق

از آنجا که در ایران سه نوع هویت دینی طبق قانون اساسی به رسمیت شناخته شده‌اند، آموزش و پرورش برای افزایش ضریب امنیت ملی علاوه بر افزایش فراوانی موضوعات مربوط به آنها در متون درسی، باید نسبت به افزایش تصاویر مربوطه نیز اقدام نماید. اگرچه هویت‌های دینی با توجه به جمعیتی که دارند، مدنظر سیاست‌گذاران نبوده‌اند، اما همین تعداد اندک معتقدان به آنها با مشاهده میزان توجه به اسلام و در نظرنگرفتن آنها به عنوان هویت‌های مستقل، ممکن است سازوکارهای فرهنگی خود را فعال کنند و چه بسا علیه اسلام تبلیغ کنند. این موضوع به‌ویژه در ارتباط با دین زرتشت به عنوان دین اصلی و باستانی ایرانیان اهمیت مضاعف پیدا می‌کند و با تغییر نگاه طرفداران ادیان مختلف نسبت به دین غالب، می‌توان به تقویت زمینه‌های همبستگی و انسجام ملی و در نهایت ارتقای امنیت ملی کمک کرد.

۴-۲. سیاست هویت مذهبی و امنیت ملی

همان‌طور که در جدول شماره هفت قابل مشاهده است، توجه به هویت مذهبی در کتاب‌های مورد بررسی در مجموع شامل ۲۸۲ جمله بوده است. از این تعداد سهم اهل تشیع و اهل تسنن به ترتیب ۲۰۱ (۷۱/۲۸ درصد) و ۸۱ (۲۸/۷۲ درصد) فراوانی بوده است، اما در رابطه با اهل تسنن ۶۱ مورد (۷۶/۵۴ درصد) همراه با جهت‌گیری منفی بوده است. در رابطه با تصاویر نیز در مجموع ۴۵ تصویر مرتبط با سیاست هویت مذهبی بوده است. در این میان، ۴۱ تصویر (۹۱/۱۱ درصد) مختص اهل تشیع بوده است و در مقابل، صرفاً در ۴ (۸/۸۹ درصد) تصویر به هویت اهل سنت پرداخته شده است.

جدول ۷: فراوانی و درصد سیاست‌های هویت مذهبی و جهت‌گیری آنها

هویت مذهبی	متن		جهت‌گیری منفی		تصاویر	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
اهل تشیع	۲۰۱	۷۱/۲۸	-	-	۴۱	۹۱/۱۱
اهل سنت	۸۱	۲۸/۷۲	۶۲	۱۰۰	۴	۸/۸۹
کل	۲۸۲	۱۰۰	۶۲	۱۰۰	۴۵	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

این نوع سیاست‌گذاری عمدتاً از سیاست‌های یکسان‌سازی برمی‌خیزد که نشان داده است کارآمدی لازم را به‌ویژه در ایران ندارد. این نوع جهت‌گیری باعث مقاومت و حتی مبارزه مسلحانه برای دفاع از مذهب خواهد شد و نقض‌کننده امنیت ملی است. زمانی که هویت قومی و مذهبی ترکیب شود، میزان واکنش بسیار بیشتر خواهد بود و همچنان که نشان داده شد، متأسفانه این تبعیض در هر دو نوع هویت قومی و مذهبی وجود دارد.

یافته‌های پژوهش با تحقیق نقی‌پور گیوی و دیگران (۱۳۹۷) همسو می‌باشد. پژوهشگران مذکور بر اساس یافته‌های پژوهشی خود پیشنهاد می‌کنند که اگر محدودیت‌های ساختاری در کشور ما کاهش یابد، افراد با مذاهب مختلف جذب هویت ملی می‌شوند. بنابراین برای داشتن ضریب امنیت ملی بالاتر، آموزش و پرورش حداقل بایستی از میزان جهت‌گیری منفی خود نسبت به اهل سنت بکاهد.

۲-۵. سیاست هویت جنسیتی و امنیت ملی

در تصاویر انتخاب‌شده برای کتاب‌های مورد مطالعه، هویت جنسیتی مدرن تقریباً مورد هیچ توجهی قرار نگرفته است. در مقابل، اکثر تصاویر انتخاب‌شده به‌ویژه برای زنان، طبق هویت اسلامی بوده است. علاوه بر این، با توجه به جمعیت زنان در برابر مردان در جامعه ایران، نگاه سیاست‌گذار هویتی به زنان نسبت به مردان نیز متوازن نبوده است. بر اساس نتایج جدول شماره هشت، از مجموع ۴۱۴ جمله مرتبط با هویت جنسیتی در کتب مورد مطالعه، ۳۲۹ (۷۹/۴۷ درصد) جمله مربوط به هویت جنسیتی مردانه بوده است. در مقابل، فقط ۸۵ جمله (۲۰/۵۳ درصد) به زنان اختصاص داشته است.

جدول ۸: فراوانی و درصد سیاست‌های هویت جنسیتی

متن	هویت جنسیتی	
	فراوانی	درصد
مردانه	۳۲۹	۷۹/۴۷
زنانه	۸۵	۲۰/۵۳
کل	۴۱۴	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

جنسیت در دوره مدرن به یکی از مهم‌ترین عوامل کنش سیاسی تبدیل شده که در سطح جهانی نیز از پیشینانی گفتمان جهانی لیبرال برخوردار است. جایگاه نازل و رعایت‌نشدن حقوق زنان باعث فشار جامعه جهانی و حتی همراهی زنان و دختران ایرانی با آنها علیه نظام اسلامی خواهد شد. زمانی که هویت جنسیتی با هویت مدرن ترکیب می‌شود، نتایج شگرفی از خود بروز می‌دهد و حصارهای یکسان‌سازی در حوزه‌های مختلف را در هم می‌شکند.

یافته‌های تحقیق با پژوهش یزدخواستی و دیگران (۱۳۹۱) همسو است. آنها در پژوهشی که از دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان انجام دادند، به این نتیجه دست یافته‌اند که بیشتر پاسخگویان (۸۵ درصد) در حد متوسط و بالایی احساس نابرابری جنسیتی داشتند. تحلیل داده‌های تحقیق نیز نشان می‌دهد که هر چه احساس نابرابری جنسیتی بیشتر باشد، هویت ملی آنها ضعیف‌تر است. بنابراین، آموزش و پرورش بایستی بیشتر به هویت زنان پردازد تا حداقل با فرضی خوش‌بینانه از کاهش همبستگی ملی و در واقع از کاهش ضریب امنیت ملی جلوگیری کند.

نتیجه‌گیری

هدف این مقاله بررسی تأثیر سیاست هویتی اعمالی در آموزش و پرورش بر امنیت ملی ایران بوده است و برای مطالعه دقیق موضوع، کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره اول متوسطه نظری به عنوان کتاب‌هایی که به دلیل دربرگرفتن مباحث تاریخی، جغرافیایی و جامعه‌شناختی بیش از سایر کتب منعکس‌کننده سیاست‌های هویتی بوده‌اند، در کانون مطالعه قرار گرفتند. نتایج نشان می‌دهد که در متن این کتاب‌های درسی به عنوان یک نمونه قابل تعمیم، توازن لازم در توجه به مؤلفه‌های هویتی جامعه ایران وجود نداشته است. همچنان که گفته شد از مجموع ۵۷۸۷ جمله موردبررسی در کتاب‌های مورد مطالعه، ۳۵۸۴ (۶۱/۹ درصد) جمله انعکاس‌دهنده سیاست‌های هویتی بوده است که از این تعداد، ۵۹۵ جمله نسبت به هویت‌های مختلف در

جامعه جهت گیری منفی داشته‌اند. از جمله‌های مرتبط با سیاست هویت، ۳۱۱۸ (۸۷درصد) جمله با هویت ملی مرتبط بوده است. جمله‌های مرتبط با هویت قومی، مذهبی و دینی نیز به ترتیب ۱۲۱ (۳/۴درصد)، ۶۳ (۱/۸درصد) و ۲۸۲ (۷/۸درصد) جمله بوده است. از کل تصاویر نیز ۶۲/۰۵ درصد آنها مربوط به سیاست هویت ملی بوده است. سپس هویتی جنسیتی، قومی، مذهبی و دینی به ترتیب ۳۰/۰۴، ۴/۲۱، ۳/۲۷ و ۰/۴۴ درصد تصاویر مورد تحلیل قرار گرفته را به خود اختصاص داده‌اند. از ۸۵۵ تصویر مربوط به هویت ملی، تصاویر انتخاب شده برای اسلامیت، ایرانی‌ت و تجدد به ترتیب ۴۲۰ (۹/۱۳درصد)، ۳۶۴ (۲/۵۷درصد) و ۷۱ (۸/۳درصد) جمله بوده است.

اگر به این موضوع توجه شود که با افزایش فناوری اطلاعات و ارتباطات در فرایند جهانی شدن، علاوه بر متغیرهای مادی مانند قدرت نظامی، مؤلفه‌های نرم و ذهنی (به‌ویژه در بلندمدت) نیز در حفظ و تقویت انسجام اجتماعی و یکپارچگی ملی نقش دارند، با وضعیت فعلی، امنیت جامعه‌ای به عنوان بخش مهمی از امنیت ملی ایران در بلندمدت با چالش مواجه خواهد شد. همچنان که گفته شد، امنیت ملی با همبستگی و وحدت ملی ارتباطی مستقیم و بدون واسطه دارد و تا مادامی که اجزای هویتی یک جامعه احساس برابری و آزادی نداشته باشند، همبستگی و وحدت ملی و به تبع آن امنیت ملی تأمین نخواهد شد. آموزش و پرورش به عنوان مهم‌ترین نهاد جامعه‌پذیری سیاسی جایگاهی محوری در اعمال سیاست هویتی متعادل و متوازن در جامعه دارد و از این طریق، می‌توان گفت سیاست‌گذاری هویتی آموزش و پرورش که بیش و پیش از هر چیز در کتاب‌های درسی آن تجلی پیدا می‌کند، نقشی بسیار مهم در القای برابری و آزادی به اجزای هویتی جامعه دارد و از این طریق نقشی بنیادین در همبستگی و وحدت ملی و به تبع آن امنیت ملی دارد. بر اساس یافته‌های علمی، یک فرد (دانش‌آموز) می‌تواند دارای چندین هویت مختلف بوده و وجود آنها در کنار همدیگر، به منزله نوعی تعارض و تناقض یا نفی یکدیگر قلمداد نمی‌شود. به طور کلی می‌توان گفت افراد از هویت‌های چندگانه‌ای برخوردارند که

تأثیرگذاری عوامل محیطی در سطوح خرد (خانواده و همسالان)، میانی (ملی) و کلان (جهانی) قادر به تقویت و حتی تضعیف برخی از آنهاست. اما نگرش منفی و متضاد به هویت‌های چندگانه منجر به حاصل شدن نتایج بازی حاصل جمع جبری صفر می‌گردد. به همین جهت بایستی سعی کرد محتوای کتاب‌های مطالعات اجتماعی و همچنین دیگر کتاب‌های درسی آموزش و پرورش به گونه‌ای تألیف و تدوین شود که احتمال جذب افراد به هویت‌های چندگانه را افزایش دهد. به عبارت دیگر محدودیت‌های کتب (عدم توجه به مؤلفه‌های هویت تجدد، قومی، مذهبی، دینی و جنسیتی و همچنین نگرش منفی به آنها) بایستی کاهش پیدا کند تا هویت‌های چندگانه دانش‌آموزان تقویت شود و از این طریق زمینه برای تقویت هویت ملی به عنوان مبنای امنیت ملی فراهم گردد. تنها در چنین شرایطی است که می‌توان انتظار تقویت و ارتقای امنیت ملی را داشت و با احترام به تفاوت‌های هویتی هم به تقویت انسجام و اتحاد ملی و هم به افزایش ضریب امنیت ملی دست یافت.

منابع

- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۹۳)، «بررسی مقایسه‌ای مفهوم امنیت در مکاتب متأخر امنیتی»، *مطالعات راهبردی*، ۱۷(۶۶)، ۳۰-۷.
- ابوالحسنی، سیدرحیم (۱۳۸۸)، سازگاری هویت‌ها در فرهنگ ایرانی (مطالعه موردی: شهروندان تهرانی)، سیاست، ۳۹(۲)، ۲۳-۴۹.
- احمدلو، حبیب (۱۳۸۱)، بررسی رابطه میزان هویت ملی و قومی در بین جوانان تبریز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- احمدی، حمید (۱۳۸۸)، *بنیادهای هویت ملی ایرانی: چهارچوب نظری هویت ملی شهروندمحور*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ازغندی، علیرضا و غلامرضا محمدی‌مهر (۱۳۹۵)، «بازنمایی هویت ملی در کتاب‌های فارسی مقطع دبستان»، *مطالعات ملی*، ۱۷(۱)، ۳۹-۵۲.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴)، بررسی تهدیدات، مباحث کلاسی، *دانشگاه عالی دفاع ملی*.
- امیرزاده، محمدرضا و مجید بهستانس (۱۳۹۶)، «بررسی سیاست هویت در دوره معاصر ایران»، *مجلس و راهبرد*، ۲۱(۷۷)، ۷۱-۱۰۶.
- ایزدی، مهشید و کبری قاسمی (۱۳۹۰)، «تأثیر استفاده از شبکه اطلاعات جهانی بر هویت دینی - ملی دانش‌آموزان»، کتاب *ماه علوم اجتماعی*، ۲(۳۸)، ۱۱۴-۱۲۱.
- آل سید غفور، سید محمد تقی و علیرضا زهیری (۱۳۹۵)، «سیاست هویت و جنبش‌های اجتماعی جدید»، *علوم سیاسی (باقرالعلوم)*، ۱۹(۷۴)، ۱۱۹-۱۴۰.
- براتعلی‌پور، مهدی (۱۳۹۳)، «درآمدی بر سیاست هویتی در جمهوری اسلامی ایران»، *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۲(۷)، ۱۵۸-۱۴۱.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بهشتی، سید صمد و محمد حق‌مرادی (۱۳۹۶)، «فرا تحلیل مطالعات مرتبط با رابطه بین هویت قومی و هویت ملی در ایران با تاکید بر نقش رسانه»، *مسائل اجتماعی ایران*، ۸(۲)، ۲۷-۵.
- پورشکری، علیرضا و دیگران (۱۳۹۹)، «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره اول متوسطه: بر اساس مؤلفه‌های میراث فرهنگی»، *مطالعات ملی*، ۲۱(۱)، ۲۷-۴۶.

- پژوهشکده تحقیقات راهبردی (۱۳۹۸)، معرفی و خلاصه کتاب «هویت؛ تقاضای کرامت و سیاست نفرت»، گروه پژوهش‌های بین‌الملل، به آدرس اینترنتی: https://www.csr.ir/files/fa/news/1398/6/13/1933_822.pdf
- ثاقب‌فر، مرتضی (۱۳۸۳)، «ایران باستان و هویت ایرانی»، در: ایران، هویت، ملیت، قومیت، حمید احمدی، تهران: نشر موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- حاجبانی، ابراهیم (۱۳۷۹)، «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، *مطالعات ملی*، ۲(۵)، ۱۹۳-۲۲۸.
- حقیقت، سیدصادق (۱۳۹۷)، «هویت ایرانی-اسلامی: تحلیلی گفتمانی»، *دو فصلنامه حقوق بشر*، ۱۳(۱)، ۹۱-۱۱۰.
- خلیلی، رضا (۱۳۸۳)، «تحول تاریخی - گفتمانی مفهوم امنیت»، *مطالعات راهبردی*، ۷(۲۳)، ۷-۲۹.
- خلیلی، رضا (۱۳۸۷)، «امنیت و آزادی؛ در جستجوی نگرشی معطوف به توسعه پایدار»، *مطالعات راهبردی*، ۱۱(۴۱)، ۴۹۵-۵۲۵.
- دان، رابرت (۱۳۸۵)، *نقد اجتماعی پست مدرنیته بحران‌های هویت*، ترجمه صالح نجفی، تهران: پردیس دانش، شرکت نشر و پژوه شیرازه.
- رهبری، مهدی و دیگران (۱۳۹۴)، «هویت ملی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ج.ا.ا»، *مطالعات ملی*، ۱۶(۱)، ۴۵-۶۶.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۳)، *متدلوژی فهم هویت ملی*، در: *هویت ملی در ایران*، داود میر محمدی، تهران: نشر تمدن ایرانی.
- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۵)، «قومیت از منظر سیاست‌های هویت»، *دانش سیاسی*، ۲(۱)، ۱۴۳-۱۶۶.
- صالحی عمران، ابراهیم و دیگران (۱۳۸۷)، «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره راهنمایی»، *مطالعات ملی*، ۹(۳۵)، ۳-۲۵.
- صالحی عمران، ابراهیم و طناز شکیباییان (۱۳۸۶)، «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره آموزش ابتدایی»، *مطالعات ملی*، ۸(۱)، ۶۳-۸۴.
- صالح‌نیا، علی (۱۳۹۵)، «بررسی نظری مفهوم امنیت ملی و ابعاد مختلف آن»، *دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت*، ۳۹۸۲-۳۹۸۹.
- صباغ، صمد و آرزو شالفروش شتربانی (۱۳۸۷)، «بررسی ابعاد هویتی (جهانی، ملی، قومی یا محلی و دینی) دانش‌آموزان دوره متوسطه و عوامل مرتبط با آن»، *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۱(۱)، ۶۷-۱۰۹.
- طاهایی، سیدجواد (۱۳۹۲)، «نقد نظریه امنیت‌ملی»، *روابط خارجی*، ۵(۱)، ۲۳۵-۲۶۱.
- عباس‌زاده، هادی و کامران کرمی (۱۳۹۰)، «سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار»، *مطالعات راهبردی*، ۱۴(۵۱)، ۳۱-۵۸.
- عبداللهی، محمد و محمد عثمان حسین‌بر (۱۳۸۱)، «گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران»، *جامعه‌شناسی ایران*، ۴(۴)، ۱۰۱-۱۲۶.
- کریبی، علی (۱۳۸۶)، «هویت‌های جدید در عصر جهانی شدن و تأثیر آن بر امنیت عمومی»، *پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی*، ۲(۴)، ۷۹-۱۰۵.

- کریمی مله، علی (۱۳۹۳)، «امنیت جامعه‌ای و سیاسی از ره‌گذر سیاست‌گذاری اجتماعی»، *مطالعات راهبردی*، ۱۷(۶۵)، ۳۵-۷۰.
- کلانی، سمیه و خدیجه سفیری (۱۳۹۶)، «تناقض‌های هویتی جوانان درکنش و واکنش با خانواده و جامعه»، *مسائل اجتماعی ایران*، ۸(۱)، ۹۷-۱۱۹.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)، *جهانی‌شدن، فرهنگ و هویت*، تهران: نشر نی.
- فاضلی، حبیب‌الله (۱۳۹۱)، «ورزش و سیاست هویت»، *علوم سیاسی*، ۷(۲)، ۱۵۱-۱۷۴.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۹۷)، *هویت؛ تقاضای کرامت و سیاست نفرت*، ترجمه رحمان قهرمان‌پور، تهران: نشر روزنه.
- قادرزاده، امید (۱۳۹۳)، «آموزش و پرورش و هویت دینی و ملی (مطالعه پیمایشی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر بانه)»، *مطالعات ملی*، ۱۵(۳)، ۸۱-۱۰۶.
- قهرمان‌پور، رحمان (۱۳۹۸)، *دغدغه‌ای به نام «سیاست هویت» روزنامه دنیای اقتصاد*، شماره روزنامه: ۶۵۲، ۱۳۹۸/۰۴/۲۰، شماره خبر: ۳۵۴۶۳۷۴.
- قهرمان‌پور، رحمان (۱۳۸۵)، *سیاست‌های هویتی نخبگان و تأثیر آن بر سیاست خارجی در کشورهای خاورمیانه مطالعه موردی ایران، ترکیه، مصر و اسرائیل*، رساله دکتری رشته علوم سیاسی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- مارتین، لنور (۱۳۸۹)، *چهره جدید امنیت در خاورمیانه*، ترجمه قدیر نصری، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۹)، *چهره متغیر امنیت ملی*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مسعودنیا، حسن و دیگران (۱۳۹۳)، *بررسی رابطه هویت ملی و قومی: (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران)*، *مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، ۳(۲)، ۱۳۹-۱۶۵.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، چاپ ۳۲، تهران: نشر صدرا.
- معروفی، یحیی و صادق پناهی توانا (۱۳۹۲)، «کتاب‌های ادبیات فارسی دوره متوسطه و بازنمایی مؤلفه‌های هویت ملی (دیدگاه دبیران)»، *مطالعات ملی*، ۱۴(۳)، ۱۰۷-۱۲۲.
- منصوری، علی و آریتا فریدونی (۱۳۸۸)، «تبلور هویت ملی در کتب درسی: بررسی محتوایی کتاب فارسی دوره ابتدایی»، *مطالعات ملی*، ۱۰(۲)، ۲۷-۴۶.
- ناظمی اردکانی، مهدی و دیگران (۱۳۹۵)، «مقایسه تطبیقی ابعاد هویت اسلامی، ایرانی و مدرن در نسل اول و سوم انقلاب اسلامی (مطالعه موردی شهر یزد)»، *فصلنامه علمی دانش انتظامی یزد*، ۳(۱۲)، ۱-۱۷.
- نصری، قدیر (۱۳۹۰)، *در آمدی نظری بر امنیت جامعه‌ای (مفاهیم، مؤلفه‌ها و نظریه‌ها)*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نصری، قدیر (۱۳۹۰)، «تأملی نظری در یافته‌ها و دشواری‌های «باری بوزان» در بررسی امنیت»، *مطالعات راهبردی*، ۱۴(۵۴)، ۱۰۵-۱۳۴.
- نصری، قدیر (۱۳۹۲)، «امنیت جامعه‌ای به مثابه هسته حیاتی امنیت ملی پایدار»، *امنیت پژوهی*، ۱۲(۴۳)، ۶۱-۹۱.
- نقی‌پور گیوی، بهنام و دیگران (۱۳۹۷)، «مطالعه نقش هویت مذهبی در شکل‌گیری هویت ملی دانشجویان هوادار تیم‌های ملی (مورد مطالعه: تیم ملی فوتبال و بسکتبال)»، *مدیریت در دانشگاه اسلامی*، ۷(۱۶)، ۳۲۷-۳۴۰.

- نوشادی، محمودرضا و دیگران (۱۳۹۰). «نقش و کارکرد کتاب‌های تعلیمات اجتماعی پنجم دبستان و سوم راهنمایی در شکل‌گیری هویت ملی»، پژوهش‌های برنامه درسی، ۱ (۱)، ۱۳۹-۱۶۷.
- هاشمی، سیدضیا و مزده قربانعلی‌زاده (۱۳۹۳)، «هویت ملی در کتب مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی»، مطالعات ملی، ۱۵ (۴)، ۴۹-۷۱.
- یاوری، نوشین (۱۳۷۳)، «اقوام و قومیت در کتاب‌های درسی»، فصلنامه گفتگو، ۳، ۹۷-۱۱۹.
- یزدخواستی، بهجت و دیگران (۱۳۹۱)، «نابرابری جنسیتی و هویت ملی»، علوم اجتماعی (دانشگاه آزاد شوشتر)، ۱۹ (۴)، ۱۶۰-۱۴۱.

Idris, Amir. (2005). **Conflict and politics of identity in Sudan**. Palgrave: Macmillan.

Appiah, K. A. (2006). The politics of identity. **Daedalus**, 135(4), 15-22.

Bernstein, M. (2005). Identity politics. **Annu. Rev. Sociol.**, 31, 47-74.

Davies, R. (2009). **Afrikaners in the new South Africa: identity politics in a globalised economy**.

Hekman, S. (1999). Identity crises: Identity, identity politics, and beyond. **Critical Review of International Social and Political Philosophy**, 2(1), 3-26.

Hope, D. P. (2006). **Inna di dancehall: Popular culture and the politics of identity in Jamaica**. University of West Indies Press.

Hill, J. & Wilson, T. (2003). Identity politics and the politics of identities. **Identities: global studies in culture and power**, 10(1), 1-8.

Stanford Encyclopedia of Philosophy (2020), Identity Politics, First published Tue Jul 16, 2002; substantive revision Sat Jul 11, 2020, Available At: <https://plato.stanford.edu/entries/identity-politics/>

Yunespour, Ali Reza. (2011). **Identity Politics: A Case Study of Afghanistan**, Discipline of Government and International Relations the University of Sydney.